

## بررسی فرآیند و چگونگی پیامدهای فرهنگی اقدامات پهلوی اول توسط ارتش در

### لرستان

سید علاءالدین شاهرخی<sup>1</sup>، محمد دالوند<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1399/04/26  
تاریخ پذیرش: 1399/07/05

از صفحه 1 تا 22

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی  
سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز 1399

#### چکیده

کوهستانی و صعب‌العبور بودن لرستان و فراهم نشدن امکان تبدلات فرهنگی گسترده و اثرگذار در قرون گذشته و تسلط فرهنگ ایلی بر آن موجب استمرار غلبه فرهنگ سنتی عشایری در این منطقه تا پایان عصر قاجار شده بود. البته وجود شهرهای تاریخی خرم‌آباد و بروجرد، زمینه‌ساز حیات زندگی شهری در کنار زندگی غالب عشایری و ارتباط فرهنگی دوسویه آنها با یکدیگر بود. کودتای 1299 و اتفاقات پس از آن موجب گردید تا لرستان همچون سایر مناطق خودمختار مطیع حکومت مرکزی شود، پس از تسلط نظامیان مجموعه اقداماتی در راستای ایجاد تغییرات در جامعه لرستان انجام پذیرفت که در مواردی فرهنگی و یا پیامد فرهنگی داشتند، در نتیجه روند استمرار فرهنگ عشایری موجود با چالش مواجه گردید. این پژوهش با استفاده از منابع و تحقیقات جدید و اسناد و بر اساس روش تحقیق تاریخی انجام پذیرفته است. پرسش اصلی پژوهش آن است که حکومت پهلوی اول با روش اقتدارگرایی مبتنی بر نظامی‌گری چگونه و طی چه اقداماتی الگوی فرهنگی مورد نظر خود را در لرستان اجرا نمود؟ یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که اجرای برنامه‌های فرهنگی و یا دارای پیامدهای فرهنگی مورد نظر پهلوی اول که در مواردی در تضاد با فرهنگ رایج در کشور بود بر جامعه عشایری و شهری لرستان در کوتاه مدت تأثیر چندانی نداشت. گرایش اقشاری از جامعه به خصوص نظامیان و اداری‌ها نیز بیشتر به جنبه‌های ظاهری و غیرمحتوایی این فرهنگ بود، اما در حوزه تعلیم و تربیت با ایجاد مدارس جدید امکان تحصیل برای برخی از افراد فراهم شد.

#### کلید واژه‌ها:

لرستان، ایلات و عشایر، فرهنگ، نامنی، پهلوی اول، ارتش.

1- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان. (نویسنده مسئول) shahrokhi.a@lu.ac.ir

2- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی

## مقدمه

لرستان در جنوب غربی ایران همچون بسیاری دیگر از مناطق کشور ایران با ضعف حکومت قاجار و مشکلات به وجود آمده پس از قیام مشروطیت بیش از گذشته از نظارت حکومت مرکزی دور ماند. وجود ساختار قدرت جامعه سنتی بر پایه نفوذ و تسلط ایلات و عشایر در پناه شرایط جغرافیایی کوهستانی منطقه مزید بر علت شد تا وضعیتی استقلال‌گونه در آنجا شکل گیرد.

با کودتای رضاخان در سوم اسفند 1299 و به‌خصوص از 1305 تا 1320 دوران پادشاهی او، برنامه‌های گوناگون تغییر و نوسازی دولت مرکزی برای مردم ایران در لرستان نیز با همان الگو و با خشونت تعقیب و اجرا گردید که بخشی از این موارد در حوزه‌های فرهنگی قرار داشت. آنچه موضوع را پیچیده‌تر می‌کند استفاده از ارتش و فرماندهان نظامی در امر تغییرات فرهنگی در این منطقه است.

پیشینه پژوهش: پژوهش‌های متعددی در مورد فعالیت‌های سیاسی پهلوی اول در لرستان انجام شده است، اما در خصوص پیشینه پژوهش اقدامات فرهنگی دولت پهلوی با محوریت ارتش در لرستان از آغاز حکومت پهلوی اول تا 1320 تاکنون پژوهش کاملی انجام نشده است. علی‌حیاتی فر در مقاله‌ای در فصلنامه یافته نو به بررسی «تأثیر فرهنگی و اجتماعی مدرنیسم پهلوی اول بر منطقه لرستان» پرداخته است. در این مقاله سه موضوع خاص با محوریت حکومت پهلوی مورد بررسی قرار گرفته است و بالطبع محدود به نقش ارتش نیست. تقی شهبواری در مقاله‌ای تنها به جریان «کشف حجاب لرستان به روایت اسناد» توجه نموده است. محمدرضا والی‌زاده معجزی در کتاب تاریخ لرستان روزگار پهلوی موضوعات فرهنگی را در کنار و در حاشیه سایر مباحث به خصوص موضوعات سیاسی مطرح و به صورت پراکنده در ذیل مطالب دیگر آورده است؛ بنابراین مقاله حاضر بر آن است که با تکیه بر اسناد و منابع دست اول به مطالعه‌ی اقدامات فرهنگی دولت پهلوی در لرستان با محوریت نقش ارتش بپردازد؛ با توجه به این رویکرد، پرسش‌های ذیل مطرح هستند:

1- الگوی فرهنگی پهلوی اول جهت ایجاد نوسازی فرهنگی در لرستان چه بود و چگونه آن را اجرا نمود؟

2- ارتش و فرماندهان ارتشی چه نقشی در اجرای برنامه‌های فرهنگی در منطقه ایلی لرستان داشتند؟

### پیشینه تاریخی لرستان

لرستان در جنوب غربی ایران و دربردارنده منطقه‌ای وسیع با پستی و بلندی‌های بسیار است. بخش شرقی لر کوچک را لرستان پیشکوه می‌خوانده‌اند که دو پدیده طبیعی، یعنی دیواره کور یا کبیرکوه و نیز رود خروشان سیمره آن را از بخش غربی یا پشتکوه جدا می‌سازد (بهرامی، 1388: 14). نام این سرزمین و مردم ساکن آن در منابع جغرافیایی و تاریخی قرن‌های سوم و چهارم ق به صورت لر، اللوریه و لرت یا لور ذکر شده است (مسعودی، 1365: 84-85؛ ابن حوقل، 1366: 114). از اواخر دوره سلجوقی و پس از آن در دوره مغول از این منطقه به عنوان یک سرزمین با محدوده جغرافیایی مشخص و در زیر حکومت‌های محلی به صورت لر بزرگ و لر کوچک ذکر شده است (مستوفی، 1364: 539-538).

لرستان در طول قرون بعد تا اواخر قاجاریه، همچون گذشته از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده است و حتی برخی از سلاطین به علل مختلف شخصاً از راه‌های صعب‌العبور گذشته و خود در این منطقه حضور یافتند، از جمله شاه عباس صفوی که با نیروهایش به خرم‌آباد وارد شد (ترکمان، 1350: 349-350)؛ در این سفر به دستور شاه، آخرین فرمان‌روای خورشیدی لرستان شاهوردی خان اعدام گردید (یزدی، 1366: 162). پس از آن شاه عباس صفوی خاندان جدیدی (فیلی) را در لرستان بر قدرت نشانده که حاکمیت آنان تا آغاز سلطنت پهلوی استمرار یافت.

### لرستان در آستانه حکومت پهلوی

وجود نیروی گریز از مرکز در میان عشایر از جمله عشایر لرستان، عدم تمایل و گاه سرپیچی از پرداخت مالیات به حاکمان منصوب از طرف شاه، سبب شده بود تا اوضاع لرستان در اواخر حکومت قاجار به هم ریخته و ناامن باشد. وضعیت لرستان به جایی رسید که حسینقلی خان نظام‌السلطنه مافی حاکم لرستان به سختی توانست در جنگ با

طایفه بیرانوند آنها را شکست داده و مانع حمله‌شان به خرم‌آباد شود (صفایی، 1370: 153/2).

با وقوع انقلاب مشروطیت در 1324 ق تاریخ ایران وارد مرحله نوینی گشت که از آن به نام «عصر بیداری» یاد می‌کنند؛ با این حال مجموعه عواملی از داخل و خارج آن را بر هم زد و نافرجام گذاشت تا جایی که کار به آشفتگی وضع کشور و از هم گسیختگی امور انجامید (کسروی، 1390: 130). لرستان نیز مقارن انقلاب مشروطیت در ناامنی قرار داشت و حکام قاجاری توانایی ورود به خرم‌آباد را نداشتند. از این دوره که تا ظهور رضاخان به طول انجامید به نام دوره «خودسری» یاد می‌شود؛ زیرا طوایف لرستان تا حدود زیادی خودمختار بودند (امان الهی بهاروند، 1391: 67).

#### لرستان و امنیت پس از کودتای 1299 ش

ضعف حکومت مرکزی و ناتوانی احمدشاه قاجار سبب شده بود تا بیشتر مناطق ایران از جمله لرستان، کردستان، خوزستان و غیره در دست عشایر قرار گیرد. نیروهای ارتش سرخ شوروی در شمال و انگلیسی‌ها در جنوب حضور داشتند (فوران، 1390: 299-298). در چنین شرایطی رضاخان، فرمانده بریگاد قزاق قزوین، با حمایت انگلیسی‌ها با حدود سیصد نظامی زبردست خود در سوم اسفندماه 1299 ش وارد تهران شد. شاه بلافاصله با درخواست‌های کودتاچیان موافقت نموده مقام سردار سپهی را به رضاخان و نخست‌وزیری را به سید ضیاء داد (آبراهامیان، 1392: 147). دو ماه بعد در همین دولت، رضاخان به جای مسعودخان کیهان به وزارت جنگ رسید (رحمانیان، 1393: 46). از این پس وی عملاً نه تنها قدرت نظامی بلکه قدرت اجرایی کشور را در اختیار گرفت. رضاخان و ناسیونالیست‌های ایران نظر مساعدی نسبت به وضع موجود ایلات و عشایر نداشتند و آنها را مظهر آشوب، رنج و عقب‌ماندگی برای مردم ایران می‌دانستند. به نظر آنان اگر بنا بود ایران یک کشور یکپارچه و ملی به سبک غرب شود ابتدا باید جلوی فعالیت‌های ایلات و عشایر گرفته شود (کاتم، 1385: 62). وجود ایلات سرکش تنها مشکل حکومت مرکزی با لرستان نبود، علاوه بر این دسترسی به ایالت بسیار مهم خوزستان که دارای ذخایر عظیم نفتی بود، با ایجاد امنیت در لرستان امکان‌پذیر بود.

شیخ خزعل حاکم متمرّد از حکومت مرکزی در خوزستان توانسته بود تا با سران لر و والی پشتکوه یک اتحاد مثلث در برابر قوای رضاخان به وجود آورد (پهلوی، 1303: 94). علاوه بر ابعاد سیاسی این ضرورت، همچنین جنبه‌های اقتصادی نیز وجود داشت؛ زیرا به علت سال‌ها ناامنی عملاً هیچ‌گونه مالیاتی از لرستان و نواحی اطراف آن به پایتخت ارسال نشده بود، از این‌رو عایدات مالی و اخذ مالیات‌های پس افتاده یکی از هدف‌های مهم بود (دالوند، 1385: 119/1).

سرکوبی نیروهای ایلی لرستان از همان آغاز در دستور کار دولت تمرکزگرای رضاخان قرار گرفت، اما به دلیل درگیر بودن قوای نظامی مرکز (کرونین، 1387: 319-318) فرصت سرکوبی عشایر لرستان در طی این دو سال فراهم نشد. با وجود برخی تلاش‌ها از طرف حکومت مرکزی، مقدمات ایجاد امنیت در غرب و لرستان در سال 1301 با تشکیل لشکر شماره 3 غرب به فرماندهی احمد آقاخان امیراحمدی با مرکزیت همدان فراهم شد (یکرنگیان، 1326: 407).

بسیج نیروهای ارتش علیه عشایر متمرّد لرستان در پاییز 1302 آغاز شد (محمدی، 1379: 36). در ابتدا نیروهای پیش‌قراول ارتش در تنگه زاهد شیر در 7 کیلومتری شهر خرم‌آباد قتل‌عام شدند (امیراحمدی، 1373: 208-206). با ورود نیروهای ارتش به فرماندهی امیراحمدی و حمله به مواضع مهاجمان و همچنین اقدامات برخی عشایر هم‌پیمان ارتش، طوایف مهاجم مجبور شدند صحنه نبرد را ترک کنند (غضنفری امرایی، 1393: 980/1). پس از متفرق شدن عشایر، ارتش در 22 آذر 1302 وارد شهر خرم‌آباد شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت (والی‌زاده معجزی، 1382: 61). با اینکه این پایان نبرد ارتش رضاخان و عشایر مخالف حکومت مرکزی نبود، اما برای همیشه خرم‌آباد و لرستان تحت تسلط حاکمیت قرار گرفت و تا سال 1312 توسط حاکمان نظامی اداره گردید (همان: 272).

### نگاهی به فرهنگ لرستانی‌ها در آستانه تسلط ارتش

مناطق در غرب و جنوب غربی ایران که لرها در آن اقامت دارند از کهن‌ترین کانون‌های تمدن در فلات ایران به حساب می‌آیند. ابزارآلات و برخی وسایلی که توسط باستان شناسان کشف شده، بیان‌گر زندگی مردمان پیش از تاریخ در این منطقه است (هول، 1354: 91). با فراهم نشدن امکان تبادلات فرهنگی و به تبع آن شکل‌گیری تحول فرهنگی در این منطقه، عملاً تا حدود زیادی استمرار فرهنگی وجود داشته است. برخی از پژوهشگران به این موضوع توجه کرده‌اند. چنانکه به قول هوگو گروته، شیوه‌ی زندگی لرها از زمان کاسی‌ها که اسکندر کبیر مجبور شد برای سرکوبی آنها بیش از چند فوج از سپاهش را گسیل دارد، تاکنون هیچ فرقی نکرده است (گروته، 1361: 43). استارگ نیز بر این باور است که گویا آنها از قدیمی‌ترین ایام تا به امروز بدین شیوه زندگی کرده‌اند (استارگ، 1363: 40).

در واقع در کنار جمعیت چندهزار نفری که در شهرهای خرم‌آباد و بروجرد زندگی می‌کردند، اکثریت ساکنان لرستان عشایر کوچ‌نشین بودند که از زندگی ساده و نسبتاً خودکفایی برخوردار بودند. از زندگی روزمره که معمولاً به صورت ثابت و لایتغیر در طول سال‌های متمادی سپری می‌شد انتظار تغییر قابل توجهی وجود نداشت. کلام یکی از خوانین لر در این ارتباط قابل تأمل است وی می‌گوید: لر، رفاه و آسایش و زندگی مجلل نمی‌خواهد تنها چیزی که می‌خواهد تفننگی خوب و چراگاه است (کرزن، 1364: 341). این کلام بیانگر دلبستگی به شرایط موجود و مقاومت در برابر هر گونه تغییر در شرایط زندگی است.

### استقرار ارتش مرکزی در لرستان و محورهای اقدامات فرهنگی و یا دارای پیامد فرهنگی

ورود ارتش به لرستان و استقرار در خرم‌آباد در آذرماه 1302 همچون موارد قبلی استقرار قشون‌های مرکزی دوران قاجار نبود. این بار ارتش محدود به فعالیت‌های نظامی نشده و فرمانده مرکزی آن - سردار سپه - برنامه‌های مختلفی برای اثرگذاری بر جامعه هدف در لرستان داشتند. اقدامات پهلوی اول برای نیل به اهدافش موارد متعددی بود

که تنها به چند مورد آن اشاره می‌شود: تدوین قانون‌های مجازات عمومی، طلاق و ازدواج، ثبت اسناد و املاک و مالکیت که نهاد قضایی را در کنترل دولت قرار می‌داد (زنگ، 1381:360). در واقع رضاشاه با اقتباس از قوانین غربی در حوزه‌های مختلف، نقش و اهمیت شرع اسلام را در زندگی اجتماعی کاهش داد؛ در کنار آن کشف حجاب، تأسیس دادگستری، اصلاحات ساختار آموزشی، احیاء پیشینه باستانی و بی‌اعتنایی به مذهب همگی منجر به تضعیف استیلای فرهنگی و ایدئولوژیکی روحانیت شد (بشیری، 1374: 259 و 244).

بدیهی بود که لرستان نیز به‌عنوان بخشی از پیکره ایران در چارچوب این فعالیت‌ها و اقدامات حکومتی قرار داشت و جالب این است که علی‌رغم تفاوت‌های بسیار میان بخش اعظم جمعیت آن که ایلات و عشایر بودند با برخی جوامع شهری از جمله تهران و دیگر شهرهای بزرگ، برنامه‌های فرهنگی یکسانی البته با استفاده بیشتر از قدرت ارتش در مناطق عشایری از جمله لرستان به اجرا درآمد، این اقدامات در محورهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

### 1- ایجاد مدارس جدید

در حکومت پهلوی با الگوگیری از کشور فرانسه، نظام آموزشی جدیدی طرح‌ریزی شد. آموزش که قبلاً در دست علمای دینی بود، جنبه دنیوی یافت، نام‌نویسی دختران در مدارس ابتدایی و متوسطه تقریباً ده برابر شد (غنی، 1378: 419). یکی از اولویت‌ها و نخستین برنامه‌های دولت رضاشاه در لرستان ایجاد مدارس جدید بود که فرماندهان ارتش در اجرای این مهم نقش به‌سزایی داشتند؛ البته هدف دولت محدود به برنامه‌های فرهنگی نبوده بلکه اهداف دیگری از این اقدام در نظر داشت؛ امیراحمدی - فرمانده قوای غرب - به این موضوع اعتراف کرده و می‌نویسد: «... به فکر ایجاد مدرسه در خرم‌آباد افتادم تا هم اطفال ساده‌لوح تربیت شوند... و هم خوانین اطراف و اکناف لرستان در اثر اینکه فرزندان‌شان را در خرم‌آباد در مدرسه می‌گذارند همیشه با شهر رفت‌وآمد خواهند داشت و در حقیقت اطفال آنها در حالی که در شهر تربیت می‌شوند گروگانی نیز هستند که پدران‌شان یاغی و طاغی نشوند» (امیراحمدی، 1373: 214). گرچه امیراحمدی خود را ابداع‌گر این اقدام در لرستان می‌داند، ولی این اندیشه فرهنگی از برنامه‌های پایتخت

بود و وی تنها مجری این اقدامات در لرستان به شمار می‌رفت. تا سال 1313 سه دبستان در خرم‌آباد و چهار دبستان در دیگر مناطق لرستان - آستان، کرگاه، طرهان و الشتر - جهت اجرای نظام آموزشی جدید تأسیس شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره: 297-38562). افزون بر آن یک دارالتربیه عشایری نیز در خرم‌آباد ایجاد گردید که به گفته‌ی روزنامه‌ی ناهید شاگردان آن را اولاد کدخدایان و سرکردگان طوایف تشکیل می‌دادند و سن‌شان بین 6 تا 20 سال بود (ناهید، 1307: 6).

از اقدامات ستاد ارتش در خرم‌آباد در این اثناء ارسال گزارش درخواست بودجه جهت توسعه کلاس‌های درس به وزارت معارف بود (اسناد خرم‌آباد، 1390: 720). افزون بر آن فرماندهان نظامی کاملاً بر این مدارس نظارت داشتند و گاه به‌طور غیرمعمول روزانه به مدارس سرکشی کرده و تدریس نیز می‌کردند؛ چنانکه سرهنگ محمودخان پولادین فرماندار نظامی خرم‌آباد روزانه برای بازدید به دبستان می‌آمد. وی در این دبستان تاریخ نیز درس می‌داد و برادرزاده‌اش شاهزاده محمدکاظم میرزا، جغرافیا تدریس می‌کرد (ضیایی، 1342: 12 و قاسمی، 1378: 75). به دستور این فرماندهان ارتش، دانش‌آموزانی که از میان عشایر به خرم‌آباد برای تحصیل در دارالتربیه عشایری در سال 1307 آمده بودند هر یک به فردی از تجار این شهر سپرده شدند تا در خانه‌های آنان اسکان یابند، مجموع این عده 28 نفر بود ولی امیراحمدی برای تأمین اعتبار لازم عده آنها را 40 نفر به تهران گزارش داد (روستایی، 1379: 56). مجموع بودجه‌ای که برای مدرسه عشایری در سال 1307 اختصاص داده شد، اعتباری در حدود 165 تومان بود (سازمان اسناد غرب کشور/همدان، سند شماره: 91/280/103) که در مقایسه با اعتبار دیگر برنامه‌های دولت، رقم ناچیزی بود. در واقع دبستان‌های شهر که به دست نظامیان و با الگوگیری از پادگان‌های نظامی ساخته شده بودند، نقش نیروی تبلیغاتی حاکمیت و ارتش را ایفا می‌کردند و هر گاه لازم می‌شد با اجرای برنامه‌های ورزشی و فرهنگی به مراسم رسمی چون بازدیدها، جشن‌های حکومتی و مناسبت‌های ملی رونق می‌بخشیدند (دالوند، 1385: 141/1).



میزان اهمیت و نظارت دستگاه حاکمیت بر این مدارس به گونه‌ای بود که در سال 1315 که رضاشاه به لرستان آمد شخصاً از ساختمان دارالتربیه در خرم‌آباد بازدید نمود. در هنگام ورود شاه، فرزند یکی از خوانین شعری را برای او خواند که به مذاق شاه خوش نیامد؛ از این رو به علی اصغر حکمت وزیر معارف و اوقاف دستور داد که برای عشایر تا همین اندازه سواد کافی است. به دستور شاه دارالتربیه تعطیل شد و کسانی هم که علاقمند به ادامه تحصیل بودند بین مدارس شهر تقسیم شدند (سراجی، 1388: 63-62).

## 2- تخته قاپو کردن (اسکان) ایلات

یکی از مهم‌ترین اقدامات ارتش در لرستان که پیامدهای فرهنگی بسیاری نیز در برداشت، موضوع یکجانشین کردن عشایر بود. ظاهراً این مسئله پیش از برآمدن رضاخان جزء راهکارهای قاجارها جهت ایجاد امنیت در لرستان بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره: 496-296)، اما امیر احمدی-فرمانده ارتش - می‌گوید: «...همین که جاده نظامی لرستان درست شد من به فکر افتادم که باید به خانه دوشی لرستان خاتمه داد و آنها را شهرنشین کرد تا بتوان به تربیت آنها همت گماشت و آنها را به مدنیت و بهره‌مند شدن از مزایای زندگی امروزی سوق داد» (امیراحمدی، 1373: 332). به نظر می‌رسد جاده‌ی لرستان - خوزستان که تحت نظارت شدید ارتش احداث گردید (سازمان اسناد غرب کشور/ همدان، سند شماره: 91/280/11). یکی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌های اجرای اقدامات فرهنگی پهلوی اول به ویژه تخته قاپوی عشایر بود و خوانین و متنفذان لرستان نیز در احداث این جاده با نظامیان همکاری ویژه داشتند (دالوند، 1394: 211).

از دید برخی محققان، دستور شاه برای تحقق تخته قاپوی عشایر به این خاطر بود که زندگی ایلات و عشایر را از نظر فرهنگی مناسب با اوضاع آن روز جهان نمی‌دید؛ پس درصدد برآمد که این مسأله را با تغییرات اساسی و انحلال تشکیلات ایلی و مانع شدن از بیلاق و قشلاق کردن آنها حل کند و چادرنشینان را به کشاورزان مبدل گرداند (لمبتون، 1362: 501). به دنبال این سیاست فرهنگی در سال 1308 با نظارت ارتش تیره‌هایی از عشایر طوایف بیرانوند، میر و بهاروند از مناطق گرمسیر به بیلاق کوچ داده شدند و در مناطقی چون هرو- بین خرم‌آباد و بروجرد- و کرگه- واقع در غرب خرم‌آباد

- اسکان گزیدند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره: 12099-240). اسکان ایلات در لرستان مانند دیگر مناطق کشور با زور و سرنیزه نظامیان انجام گرفت (ایوانف، 1356: 142). افزون بر احداث منازل مسکونی، یکی از راهکارهای دولت جدید جهت مساعدت مادی، ساختن قلعه‌های رعیتی برای عشایر به منظور ممانعت از کوچ سالانه آنها بود (بهار، 1357: 272). در این اقدام مهم نیز ارتش نقش به سزایی داشت؛ از جمله این اقدامات احداث قلعه‌هایی بود که در نیمه اول حکومت رضاشاه با نظارت نظامیان جهت اسکان عشایر لرستان صورت گرفت؛ قلعه‌ی قالبی - واقع در 40 کیلومتری جاده خرم‌آباد به پلدختر - قلعه‌های شوراب و ناوه‌کش - در منطقه‌ی چگنی - و قلعه‌ی چم‌حیدر - 53 کیلومتر جاده خرم‌آباد به پلدختر - از جمله این قلعه‌ها بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره: 12099-240).

به نظر می‌رسد اهداف دیگر حاکمیت نیز در انجام این اقدام نقش مهمی داشته است. مواردی همچون: فراهم شدن امکان نظارت بیشتر بر فعالیت‌های آنها، ایجاد مدارس در برخی روستاهای بزرگ و همچنین تأثیرگذاری فرهنگی و پرورش نسل جوان به دلخواه حکومت مرکزی، تغییر شیوه‌ی زیست، فراهم شدن شرایط برای اخذ مالیات و سرانجام اینکه در صورت اسکان عشایر، آنها از زندگی آزادانه و متحرک خود خارج شده و در دسترس و نظارت کامل حاکمیت قرار می‌گرفتند.

### 3- لباس متحدالشکل و کشف حجاب در لرستان

از اقدامات مهم پهلوی اول در عرصه‌ی فرهنگ، قانون متحدالشکل ساختن لباس مردان در سال 1307 بود. در مورد لباس مردان، بر پوشیدن کت و شلوار و بر سر نهادن کلاهی بنام کلاه پهلوی که شبیه کلاه نظامیان فرانسوی بود، تأکید شد. البته چند سال بعد شاه فرمانی صادر کرد تا همگان کلاه جدیدی بر سر بگذارند، یعنی شاپوی فرانسوی که در ایران به کلاه لگنی معروف بود؛ اینها پیش درآمد بزرگ‌ترین دستاورد رضاشاه یعنی کشف حجاب بود (کاتوزیان، 1392: 175-174). جالب اینکه در هنگام مسافرت رضاشاه به لرستان در سال 1307 فرمانده قوای غرب، امیراحمدی دستور داد لباس سران عشایر هم یکنواخت باشد. به طوری که عشایر با یقه‌های کراوات بسته، کلاه

پهلوی و پوتین در مراسم استقبال از شاه حضور به هم رساندند. صفوف عشایر، رؤسای خرم‌آباد، فرهنگیان و دانش‌آموزان متحدالشکل از همدیگر جدا بود (غضنفری امرایی، 1393: 1116/1).

با این وجود، در لرستان تا سال 1312 قانون متحدالشکل نمودن لباس به درستی اجرا نشده بود، در خرم‌آباد حتی بعضی از لرها با البسه قدیمی دیده می‌شدند. از مهم‌ترین علل تأخیر در اجرای قانون یاد شده می‌توان به مواردی چون اوضاع نابسامان منطقه، درگیری‌های شدید بین ارتش و عشایر و به تبع آن عدم توانایی ارتش در اجرای به موقع تعویض لباس در آن شرایط دشوار، اشاره نمود (حیاتی فر، 1384: 164). به گزارش روزنامه اطلاعات به دنبال ارسال بخشنامه از مرکز جهت تغییر کلاه، حکمران لرستان به تعویض کلاه و تغییر ظاهر خود پرداخت و سپس مأمورین دولتی هم استقبال نمودند (اطلاعات، 1314: 3). با روی کار آمدن علی رزم‌آرا این قانون به تدریج در لرستان به اجرا درآمد. وی که فرمانده تیپ ارتش لرستان بود، درباره این موضوع می‌نویسد: «آبادی‌های الوار صورت مرتبی به خود گرفته و حتی الوار لباس‌های متحدالشکل را در بر نمودند بطوری که کلاه‌های دوره‌دار در لرستان برای اولین مرتبه رواج یافت» (رزم‌آرا، 1393: 90).

با فشار نظامیان در اجرای قانون اتحاد لباس در خرم‌آباد، طلبه‌های علوم دینی در خانه‌هایشان حبس شدند و تنها آن دسته از علما که از نظر علمی از درجه بالایی برخوردار بودند اجازه‌ی پوشیدن عمامه داشتند (شاهرخی، 1385: 39). یکی از آنها سید علی اکبر رحیمی خرم‌آبادی بود؛ وی طبق نامه‌ای از طرف دکتر حسین مرزبان، حکمران لرستان، با توجه به این که از طرف آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری به درجه اجتهاد رسیده بود، در تیرماه 1315 در پوشیدن لباس روحانیت مستثنی شد (قاسمی، 1394: 1067).

اوج اقتباس فرهنگی رضاشاه از کمال آتاتورک در موضوع کشف حجاب بود. در 17 دی‌ماه 1314 قانون کشف حجاب زنان در ایران رسماً به اجرا درآمد. از آن تاریخ استفاده از چادر و همین‌طور چارقد و یا سرپوش به‌جز کلاه‌های اروپایی ممنوع شد

(کاتوزیان، 1392: 172). در خرم‌آباد با توجه به دستورالعمل‌های پایتخت در این ارتباط در دی‌ماه 1314 عموم فرماندهان و افسران ارتش و مأموران ادارات به همراه همسرانشان که بدون چادر بودند در مجلس جشنی حضور یافتند؛ در آنجا نطق‌های مفصلی راجع به تجدد ایراد گردید (اطلاعات، 1314: 4). مراسم‌های دیگری نیز در دو شهر مطرح لرستان در آن زمان (خرم‌آباد و بروجرد) برگزار گردید که بزرگان و به ویژه ارتشیان و مأمورین دولتی موظف بودند با همسرانشان در آن حضور یابند. عده کثیری از مردم از اجرای این دستور ناراحت بودند و عده‌ای دیگر نیز از طبقات مختلف در آن شرکت نمودند (ایزدپناه، 1376: 228/1)؛ بنا به گفته نجم‌الدین مصدق از اعضای تشکیل‌دهنده مجمع اخوان حقیقت، در خرم‌آباد در سال 1318، مأموران نظامی پس از خارج شدن زنان از گرمابه‌های عمومی به زور چارقد و چادر را از سر آنان می‌کشیدند؛ بنابراین مجمع اخوان حقیقت به انتشار شب‌نامه علیه اقدامات خفقان‌آمیز رژیم پرداخت (مصاحبه با نجم‌الدین مصدق در مورخه 1394/9/26) که در نهایت منجر به دستگیری و حبس اعضای انجمن به ویژه شخص نجم‌الدین مصدق گردید (اسناد خانوادگی نجم‌الدین مصدق).

رفع حجاب در دوره رضاشاه بیشتر مختص همسران مسئولان ادارات شهر از جمله ارتشیان و زنان شاغل بود؛ به گفته ریش سفیدان بعضی از زن‌ها و دوشیزه‌های بومی برای این که به بی‌حجابی تن در ندهند سال‌ها از منزل بیرون نیامدند و پس از آنکه از اجبار به کشف حجاب کاسته شد با همان لباس‌های پیشین و چادر به شهر رفت‌وآمد می‌کردند (قاسمی، 1394: 1051). در مجموع با وجود فشار نظامی، تبلیغات کشف حجاب بر زنان عشایر و روستایی که اکثریت جامعه زنان لرستان را تشکیل می‌دادند تأثیر آن چنانی نداشت (شهسواری، 1376: 146). نبود رسانه‌های ارتباط جمعی و دسترسی نداشتن به تردد در شهرها و تعصب مردمان منطقه نسبت به حریم خانواده مزید بر علت بود.

#### 4- ممنوع کردن عزاداری

از اقدامات مهم فرهنگی پهلوی اول که بر لرستان نیز تأثیر گذاشت، ممنوع کردن عزاداری محرم و شبیه‌خوانی در حدود سال 1311 شمسی بود (کدی، 1392: 170). در

این راستا مراسم تعزیه که توسط گروهی در محله‌ی درب دلاکان خرم‌آباد انجام می‌گرفت نیز تعطیل گردید (موسوی اسدزاده، 1376: 188). محمد ملک‌محمدی درباره مراسم عزاداری در ماه محرم در دوره‌ی رضاشاه می‌گوید: «رضاخان عزاداری را قدغن کرد. در درب دلاکان و پشت بازار [محلات قدیمی شهر خرم‌آباد]، عزای حسین (ع) ممنوع بود؛ یک سال درب دلاکان و پشت بازار یکی شدند و دو روز قبل از عاشورا رفتیم شینشا [روستایی در جنوب غربی خرم‌آباد] دو سه تا ژاندارم آمدند که نگذارند گِل بیفتیم، ما اعتنا نکردیم و سینه زدیم، ژاندارم‌های آن زمان هم برای خود اسم و رسمی داشتند اما شور و صداقت ما را که دیدند یکی از آنها به گریه افتاد و حتی خودش هم نوحه‌خوان ما شد...» (آفتاب لرستان، 1391: 7). سادات نیز دچار محدودیت شدند. لرها نسبت به سادات که از نوادگان امامان هستند همواره اظهار ارادت می‌نمودند. همکاری سادات با عشایر موجب شد تا ارتش برخی از سادات لرستان را با خانواده‌هایشان به نقاطی از قبیل خار و ورامین، کرج و قم به اجبار کوچ دهد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره: 6-665-112008).

### 5- قانون نظام‌وظیفه اجباری

یکی دیگر از اقدامات دولت رضاشاه جهت توسعه ارتش که پیامدهای فرهنگی خاصی بر لرستان بر جای گذاشت، اصلاح شیوه سربازگیری بود. به دنبال این تصمیم، قانونی تحت عنوان «نظام‌وظیفه اجباری» در مجلس به تصویب رسید. در ماده‌ای از این قانون - که در 16 خرداد 1304 در مجلس پنجم تصویب شده بود - چنین آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه اتباع ذکور ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و مشمولین در خارج از ایران از اول بیست‌ویک سالگی مکلف به خدمت سربازی می‌باشند مگر در مواردی که بر طبق این قانون مستثنی شده باشند» (مجموعه قوانین موضوعه، 1382: 217).

این قانون به سبب مشکلات خاص در لرستان دیرتر به اجرا درآمد. در پاییز 1313 از خرم‌آباد و بخش‌های تابعه آن سربازهای وظیفه احضار و به پادگان‌ها تحویل داده شدند تا به خدمت نظام اعزام شوند (والی‌زاده معجزی، 1382: 273). گفتنی است وضع جمع‌آوری مشمولین و نحوه سربازگیری توأم با اعمال زور و خشونت بود (قراگوزلو،

1388: 40). در 18 مهر 1315 کمیسیون سربازگیری تحت ریاست حاکم نظامی در خرم‌آباد تشکیل گردید و پس از قرائت نطقی توسط حکمران مبنی بر محسنات قانون نظام‌وظیفه و تأثیر آن در تربیت و غنای فرهنگی لرها، اوراق مشمولین تحویل داده شد (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره: م 3-555-03).

اجرای این قانون بیشتر متمرکز در شهرها و روستاهای قابل دسترس بود. آثار فرهنگی آن نیز در ابتدا در همین مناطق بود. سربازانی که از این محیط‌های تقریباً بسته به مناطق و شهرهای دیگر می‌رفتند و سربازانی هم که از سایر مناطق به لرستان می‌آمدند در تبادل خرده فرهنگ‌ها نقش مهمی ایفا نمودند.

### پیامدهای فرهنگی اقامت و مهاجرت ارتشیان و اداریان غیر بومی در لرستان

علاوه بر سربازان که معمولاً برای اقامتی چندساله ممکن بود به لرستان بیایند، نیروهای کادر ارتش از قومیت‌های گوناگون و از مناطق مختلف ایران گاه حتی به همراه خانواده خود برای اقامتی چندساله به لرستان آمدند. نتیجه این حضور غیربومیان، افزایش ارتباطات و تماس‌هایی میان لرستانی‌ها و مهاجران بود. اقامت نظامیان در منازل مسکونی مردم منطقه در تشدید این روند مؤثر بود. والی‌زاده معجزی می‌گوید: «... خانواده ما را هم به کرایه‌نشینی انداختند و سه دستگاه خانه‌های پدرم تا سال 1312 در اختیار لشکر بود... چند خانه نوساز و تمیز دیگر برای امیران لشکر غرب و سرتیپ محمدخان [شاه‌بختی] و افسران ارشد تخلیه گردید...» (والی‌زاده معجزی، 1382: 64)، چند باب ساختمان مسکونی نیز از متنفذین لرستانی در خرم‌آباد به نام‌های صیدوالی‌خان و سیف‌اله خان والی‌زاده نیز اجاره گردید و در اختیار ارتشیان قرار داده شد (سازمان اسناد غرب کشور/ همدان، سند شماره: 91/280/147)؛ میزان اثرگذاری این اقامت را تا حدودی می‌توان در نام‌گذاری خیابان‌های - البته تا قبل از تغییر نام‌ها پس از انقلاب - شهرها از جمله در خرم‌آباد مشاهده نمود، همچون: پهلوی، شاهپور، سپه، ستاد لشکر 5، بهداری لشکر، شاه‌بختی - نام یکی از فرماندهان - و موارد دیگر (قاسمی، 1378: 14). گفتنی است بلدیة (شهرداری) خرم‌آباد در سال 1306 با پیشنهاد فرمانده قوای لشکر - امیر احمدی - تأسیس شد و دو تن از هفت نفر نخستین انجمن

بلدیۀ شهر از افسران عالی رتبه ارتش بودند (قاسمی، 1394: 772)؛ بنابراین نام‌گذاری خیابان‌های شهر با استفاده از اصطلاحات و اسامی نظامی بیانگر نقش اثرگذار ارتشیان در حیات فرهنگی و اجتماعی این مردم است. بعد از ورود قوای دولتی و ایجاد تشکیلات اداری در لرستان، پزشکان تحصیل‌کرده‌ای که بیشتر ارتشی بودند به خرم‌آباد آمدند و طبابت را که قبلاً با داروهای گیاهی انجام می‌شد، با داروهای جدید آغاز نمودند. سرتیپ مهدی قلی‌خان، سرگرد حجازی، سروان وشمگیر، سروان دهدشتی سرتیپ سیف‌الله خان پارسا و دکتر منوچهر خان از پزشکان ارتش بودند که در محله‌های مختلف شهر خرم‌آباد مطب باز نموده و به معالجه بیماران پرداختند (سازمان اسناد غرب کشور/همدان، سند شماره: 91/280/90 و عیدی، 1387: 365). این نوع تماس‌های ارتشیان تحصیل‌کرده با لرستانی‌ها در زمینه توسعه مدرنیسم فرهنگی پهلوی بر مناطق شهری لرستان به تدریج تأثیر نهاد.

اقامت ارتشیان منحصر به شهرها نبود بلکه شامل روستاها به‌ویژه در مسیر جاده اصلی از بروجرد و خرم‌آباد نیز می‌شد. هنگامی که یک هنگ ارتش از خرم‌آباد به بروجرد یا بالعکس جا به جا می‌شد، شب هنگام در روستاهای مسیر اقامت می‌کردند، از جمله در زاغه - در 40 کیلومتری شرق خرم‌آباد- فرمانده هنگ، کدخدای روستا را احضار کرده و به وی امر می‌کرد که نظامیان را به همراه اسب‌ها و قاطرهایشان در میان منازل اهالی تقسیم نماید (مصاحبه با سام دالوند در مورخه 1394/5/15).

با سرکوب عشایر و ایجاد امنیت نسبی در لرستان، شهرها و روستاهای آن مورد توجه برخی از اقامت‌کنندگان تازه وارد قرار گرفتند. خرم‌آباد که در دوران ناامنی آسیب‌های بسیاری دیده بود، حال که مرکزیت اداری و نظامی نیز یافته بود به تدریج با ایجاد و بنای ساختمان‌های جدید در آن برای ادارات، مدارس، پادگان‌ها، صاحب‌منصبان و بعدها سایر اشخاص شکل و هویت نوینی یافت.

### عرصه‌های نوین فرهنگ تفریح و سرگرمی

اقدامات فرهنگی دولت در عرصه‌هایی از جمله تربیت بدنی توسط ارتشیان موجب گردید تا ورزش به شکل غیرسنتی در میان لرها رواج یابد، عده‌ای از ارتشیان در آغاز سال

تحصیلی در مدارس حضور یافته و حرکات نرمشی به دانش‌آموزان تعلیم می‌دادند در این راستا دولت هم ساختمان‌هایی جهت انجام ورزش‌های مورد علاقه مردم در لرستان احداث نمود (اطلاعات، 1315: 4). در آبان 1316 جشنی از طرف اداره معارف با حضور کفیل فرمانده ارتش و رؤسای دوایر دولتی در کانون افسران ارتش برپا شد و در زمینه فعالیت‌های ورزشکاران و پیش‌آهنگان تربیت بدنی برنامه‌هایی اجرا شد (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره: م 3-451-03). یک سال بعد نیز انجمن تربیت بدنی خرم‌آباد و کلوپ ورزشی لرستان تأسیس گردیدند (اسناد خرم‌آباد، 1390: 57).

دولت مرکزی در سال 1317 سازمان پرورش افکار را تشکیل داد و توجه ویژه‌ای نسبت به موسیقی، تئاتر، رادیو و سینما شد (نفیسی، 1344: 63). به دنبال آن در 21 اسفند همین سال سازمان پرورش افکار در خرم‌آباد تشکیل جلسه داد، در این گردهمایی پس از خواندن سرود دانایی و توانایی و ارائه گزارش سال تحصیلی گذشته توسط مدیر یکی از آموزشگاه‌ها در مورد پرورش افکار و تشویق بی‌سوادان به بهره‌مندی از کلاس‌های سالمندان سخنرانی شد (اسناد خرم‌آباد، 1390: 777).

اقدام فرهنگی دیگر راه‌اندازی سینمای سیار توسط حسام‌الدین راغبیان از ارتشیان در خرم‌آباد بود، مدتی پس‌از آن فرماندهان لشکر در ضلع شمال غربی فلک‌الافلاک سینمایی احداث نمودند (قاسمی، 1387: 107-105). اقدام دیگر ارتش برگزاری نمایش بود؛ در اسفند 1314 سرهنگ داورپناه فرمانده تیپ ارتش لرستان نمایشی تشکیل داد که همه بازیگران آن از افسران ارتش بودند، به دستور وی تمام رؤسای ادارات خرم‌آباد و بروجرد با همسرانشان و همچنین کلیه کسبه و تجار به تماشای این دعوت نمایش شدند؛ نمایش فوق در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جامعه طراحی شده بود (اطلاعات، 1314: 3).

بدین‌سان نظامیان که پس از تصرف لرستان در آنجا استقرار یافته و حاکم مطلق آن بودند در راستای سیاست‌های فرهنگی حکومت پهلوی اول، ارزش‌های فرهنگی برنامه ریزی شده از پایتخت را بدون لحاظ بافت فرهنگی و اجتماعی منطقه در لرستان گسترش دادند.



## نتیجه‌گیری

دولت رضاشاه در پیشبرد برنامه‌های فرهنگی خود در لرستان، با توجه به واگذاری این برنامه به نظامیان و همچنین بافت جامعه سنتی که پذیرای بسیاری از این اقدامات نبود، می‌خواست برخی مظاهر مدرن را در منطقه اجرا نماید؛ اما به دلیل ضعف در برنامه‌ریزی و شیوه‌ی اجرا و عمل موفق به ایجاد تعادل و توازن کامل در منطقه نشد. درواقع گرچه زمینه‌هایی برای ایجاد زیرساخت‌های تحول فرهنگی در لرستان به‌وجود آمد، ولی این اقدامات فرهنگی گاهی مخالفت قشرهایی از مردم به ویژه روحانیت را برانگیخت.

پیاده کردن الگوی واحد فرهنگی دیکته شده از پایتخت بدون در نظر گرفتن خصوصیات و فرهنگ بومی لرستان آثار و نتایج مناسبی برای مردم آن دیار در برداشت. به‌عنوان مثال یکجانشین کردن (تخته قاپو) اجباری عشایر موجب گردید تا بسیاری از دام‌های آنان تلف شود. نکته مهم دیگر این بود که اکثریت قاطع جمعیت لرستان در آن زمان در روستاها یا کوهپایه‌ها زندگی می‌کردند و کمتر در معرض برنامه‌ها و تبلیغات فرهنگی دوران پهلوی اول قرار داشتند. آنها در هنگام تردد مأمورین نظامی یا دولتی به محل زندگی‌شان و یا مراجعه به شهرها در تضاد فرهنگی شدیدی قرار می‌گرفتند. هر چند تأسیس مدارس جدید و اقدامات جزئی برای ارتقاء بهداشت و به خصوص امنیت نسبی برای برخی اقشار استفاده کننده مفید بود اما تغییر اجباری لباس مردم، کشف حجاب و رواج سینما و برخی اقدامات دیگر نمی‌توانست دستاوردهای فرهنگی مفیدی قلمداد شود. به نظر می‌رسد انجام هر اقدام اصلاحی در حوزه اجتماع و فرهنگ به‌ویژه در یک محیط سنتی، زمانی می‌تواند نتایج قابل قبولی دربر داشته باشد که با انجام مطالعه‌های لازم و بر اساس احترام و فراهم شدن زیرساخت‌های ضروری همراه باشد حال آن که این مهم در لرستان همچون بسیاری از مناطق دیگر مورد توجه قرار نگرفت. سرانجام این که انجام مجموعه برنامه‌ها و فعالیت‌های فوق‌الذکر که در بسیاری از موارد به‌وسیله نظامیان در لرستان انجام پذیرفت هرچند از نظر ایجاد امنیت و مدرسه، پایه‌ای برای برخی پیشرفت‌های فرهنگی در آینده گردید، اما در برخی موارد در نتیجه ستیز با باورهای دینی مردم، به‌طور خاص در کشف حجاب و منع عزاداری و اجرای امور از راه

قدرت نظامی و خشونت ضربه‌هایی سهمگین بود که موجب گردید مبنای این برنامه‌های فرهنگی عوض ذهن و منطق عمومی متکی به اسلحه و خشونت باشد.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند (1392)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اسناد خرم‌آباد (1390)، به کوشش سیدفرید قاسمی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آفتاب لرستان (1391/10/18)، شماره 330، خرم‌آباد.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (1366)، صوره‌الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشار امیرکبیر.
- استارک، فریا (1363)، سفرنامه لرستان، ایلام و الموت، ترجمه علی‌محمد ساکی، تهران: انتشارات علمی.
- امان‌اللهی بهاروند، (سکندر 1392)، رضاشاه و لرها، مجموعه مقالات، خرم‌آباد: اردیبهشت جانان، 59-94.
- امیراحمدی، احمد (1373)، خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی، به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید (1376)، تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ایوانف، س.م (1356)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیز آبی و حسن قائم پناه، تهران: اسلوج.
- بشیریه، حسین (1374)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بهار، محمدتقی (1357)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج 1، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- بهرامی، روح‌الله (1388)، سلسله‌ی والیان لرستان، تهران: انتشارات حروفیه و دانشگاه لرستان.
- پهلوی، رضاشاه (1303)، سفرنامه خوزستان، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- ترکمان، اسکندربیک منشی (1350)، عالم آرای عباسی، ج 1، به تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حیاتی‌فر، علی (1384)، تأثیر فرهنگی و اجتماعی مدرنیسم پهلوی اول بر منطقه لرستان، فصلنامه یافته نو، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان، سال پنجم، شماره 17 و 18.

- دالوند، حمیدرضا (1385)، انقلاب اسلامی در لرستان، ج 1، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دالوند، سام، محل مصاحبه خیابان شهید مرتضی مطهری، محل نگهداری آرشیو شخصی نویسنده مقاله، 15 مرداد 1394.
- دالوند، محمد (1394)، پایان نامه بررسی عملکرد ارتش در لرستان از 1300 تا 1320 ش، کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، استاد راهنما علاءالدین شاهرخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان.
- رحمانیان، داریوش (1393)، ایران بین دو کودتا، تهران: سمت.
- رزم آرا، حاجعلی (1393)، خاطرات و اسناد سپهبد حاجعلی رزم آرا، به کوشش کامبیز رزم آرا و کاوه بیات، تهران: پردیس دانش.
- روستایی، محسن (1379)، اعتضاد فرهنگ، تهران: علوم و فنون.
- زرنگ، محمد (1381)، تحول نظام قضایی در ایران، ج 1، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سازمان اسناد غرب کشور، همدان، شماره‌های، 91/280/103، 91/280/147، 91/280/11، 91/280/40.
- سازمان اسناد ملی ایران، شماره‌های 240-12099، 296-496، 296-665-6-112008-38562-297.
- ستوده، یداله (1392)، شورش لرستان، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- سراجی، روح‌الله (1388)، نیم قرن خاطرات یک معلم، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- شاهرخی، سید محمدنقی (1385)، خاطرات آیت‌الله سید محمد نقی شاهرخی، به کوشش رضا شیخ محمدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شهسواری، تقی (1376)، کشف حجاب لرستان به روایت اسناد، فصلنامه شقایق، نشریه لرستان‌شناسی، سال اول، شماره 1.
- صفایی، ابراهیم (1370)، رهبران مشروطه، تهران: اقبال.
- عیدی، حمید (1387)، یادگار عمر، خرم‌آباد: افلاک.
- غضنفری امرایی، اسفندیار (1393)، تاریخ غضنفری، ج 1، به کوشش اسعد غضنفری و یداله ستوده، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- غنی، سیروس (1378)، ایران برآمدن رضاخان بر افتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.

- فوران، جان (1390)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- قاسمی، فرید (1378)، خرم‌آبادشناسی، ج 2، خرم‌آباد: افلاک.
- \_\_\_\_\_ (1387)، پیشینه ارتباطات و تاریخ مطبوعات خرم‌آباد، خرم‌آباد: سیفا،
- \_\_\_\_\_ (1394)، سرگذشت خرم‌آباد، تهران: سید فرید قاسمی.
- قراگوزلو، غلامحسین (1388)، جنگ‌های لرستان، تهران: اقبال.
- کاتم، ریچارد (1385)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.
- کدی، نیکی، آر. (1392)، ایران در دوره قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- کرزن، جورج (1364)، ایران و قضیه ایران، ج 2، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرونین، استفانی (1387)، رضاشاه و شکل‌گیری ارتش نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- کسروی، احمد (1390)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.
- گرانیپه، بهروز (1377)، فرهنگ و جامعه، ج 1، تهران: نشر شریف.
- گروته، هوگو (1361)، سفرنامه هوگو گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران: خوارزمی.
- لمبتون، ا.ک.س (1362)، مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانون‌گذاری از 22 دلو 1302 تا 21 بهمن 1304، (1382)، تهران: مؤسسه انتشاراتی ایران.
- محمدی، ماشاءالله (1379)، خاطرات من از خرم‌آباد قدیم، خرم‌آباد: افلاک.
- مستوفی، حمدالله (1364)، تاریخ گزیده، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (1365)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مصدق، نجم‌الدین (26 آذر 1394)، محل مصاحبه خیابان شهید مرتضی مطهری، محل نگهداری، آرشیو شخصی نویسنده مقاله.
- مصدق، نجم‌الدین، اسناد شخصی، محل نگهداری، آرشیو کتابخانه شخصی صاحب سند.

- موسوی اسدزاده، سیامک (1376)، از آیین تا صحنه، فصلنامه شقایق، نشریه لرستان شناسی، سال 1، شماره 1.
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره‌های، م 3-555-03، م 0-451-33.
- ناهید، (1307/17/17)، شماره 23، تهران.
- نفیسی، سعید (1344)، تاریخ شهریاری شاهنشاهی رضاشاه پهلوی از 3 اسفند 1299 تا 24 شهریور 1320، تهران: شورای مرکزی جشن‌های بنیادگذاری شاهنشاهی ایران.
- والیزاده معجزی (1382)، محمدرضا، تاریخ لرستان روزگار پهلوی، به تصحیح غلامرضا عزیزی، تهران: حروفیه.
- همایون کاتوزیان (1392)، محمدعلی، اقتصاد سیاسی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- هول، فرانک (1354)، جنوب غربی ایران در دوران پیش از تاریخ، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر لرستان.
- یکرنگیان، میرحسین (1326)، گلگون کفنان، تهران: چاپخانه علمی- یزدی، ملاجلال منجم (1366)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیفاله وحیدنیا، تهران: وحید.
- روزنامه اطلاعات، شماره 2511، 1314/3/26؛ شماره 2690، 28/10/1314؛ شماره 2732، 11/12/1314؛ شماره 2760، 4/2/1315.